

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه جلسه گذشته

دلیل دهم، استناد به فقره‌ای از دعای چهل و هشتم صحیفه سجادیه است؛ بخشی که در آن، امام سجاد علیه السلام در مقام عرض به خدای متعال می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ، وَمَوَاضِعَ أُمَنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا، وَأَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ، لَا يُغَالِبُ أَمْرُكَ، وَلَا يُجَاوِزُ الْمَحْتُومُ مِنْ تَدْبِيرِكَ كَيْفَ شِئْتَ وَأَتَى شِئْتَ، وَلِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مَتَّهِمْ عَلَى خَلْقِكَ».

مراد از تعبیر «إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ» - بنابر آنچه مرحوم آیت الله بروجردی تصریح کرده‌اند - مقام اقامه نماز جمعه است. ایشان این فقره را از بهترین دلایل بر اشتراط می‌دانند؛ زیرا امام (علیه السلام) به صراحت بیان می‌فرماید که این مقام، ویژه خلفای الهی، برگزیدگان او و جایگاه امانت‌داران اوست. به بیان دیگر، این مقام اختصاص به کسی دارد که واجد عناوین خلافت الهی، صفوت و امانت باشد. از آنجا که این عناوین، به طور حقیقی و کامل، تنها بر معصومان علیهم السلام صدق می‌کند، غیر معصوم نه متصف به عنوان خلیفه الهی است، نه در شمار اصفیای الهی قرار می‌گیرد و نه واجد عنوان امانت الهی است.

اشکالات مرحوم حائری به استدلال به دلیل نهم

اشکال اول: تفسیر «هذا المقام» ناظر به ریاست عامه و امامیت کلیه الهی

استدلال بدین صورت تقریر شده است که «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ» به معنای مقام اقامه نماز جمعه است و سپس به قرینه ادامه دعا یعنی «لِخُلَفَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ» نتیجه گرفته می‌شود که این مقام اختصاص به خلفا و برگزیدگان الهی دارد و از این طریق، مدعا اثبات می‌گردد. نخستین اشکالی که مرحوم آقای حائری مطرح می‌کنند، ناظر به تفسیر تعبیر «هذا المقام» است. ایشان می‌فرمایند: احتمال قوی وجود دارد که مقصود از «هذا المقام» ریاست عامه و همان امامت کلیه الهیه باشد که در این صورت اقامه نماز جمعه و نماز عید، تنها یکی از شئون و مظاهر آن به‌شمار می‌رود.

ایشان برای تأیید این برداشت، به ادامه فراز دعا استناد می‌کنند و می‌فرمایند: عبارت «حَتَّى عَادَ صِفْوَتُكَ وَخُلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْهُورِينَ مُبْتَزِينَ» ناظر به غصب امامت و ریاست اصلی است؛ زیرا مغلوب و مقهور شدن صفوت و خلفای الهی، ارتباطی با اقامه نماز جمعه به‌عنوان یک عمل عبادی جزئی ندارد، بلکه به سلب آن امامت و ریاست فراگیر بازمی‌گردد. [1]

توضیح «ان قلت»

مرحوم حائری در ادامه یک اشکال را مطرح می‌کند و سپس به آن پاسخ می‌دهد؛ ایشان در این عبارت می‌فرماید: ظاهر عبارت «إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ» به قرینه‌ی جمله‌ی «فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا» اقامه‌ی نماز عید و جمعه است، ظاهر این عبارت این است که مقصود از «درجه‌ی رفیع» همان ریاست عامه است، و مرجع ضمیر «ابتزوها» نیز همان درجه‌ی رفیع می‌باشد، و آنچه امام (علیه السلام) پس از آن ذکر می‌فرماید، مترتب بر غصب خلافت است؛ اما به این دلیل که نماز جمعه از شئون و لوازم درجه‌ی رفیع یعنی ریاست عامه است، مقصود از «مقام»، مقام اقامه‌ی عید و جمعه است. [2]

توضیح «قلت»

مرحوم حائری در پاسخ می‌فرماید: بعید است که مقصود از «درجه‌ی رفیع» ریاست عامّه باشد؛ بلکه چه‌بسا نزدیک‌تر آن باشد که مراد از آن، مقام معنوی الهی‌ای باشد که قابل غصب نیست. بر این اساس، مقصود از هذا المقام این است که اعطای مقام ریاست عامه بر مسلمین به اهل بیت، در ضمن اعطای آن درجه‌ی رفیع و عالی معنوی تحقق یافته است؛ درجه‌ای که همان ولایت حقیقی و خلافت الهی است که در آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» بیان شده است.

همچنین، بازگشت ضمیر «ابتزوها» به «الدرجة الرفیعة» روشن و معلوم نیست؛ بلکه چه‌بسا نزدیک‌تر یا دست‌کم محتمل آن است که این ضمیر به «مقام» بازگردد. و مؤنث آمدن ضمیر نیز شاید از این باب باشد که مقصود از «مقام»، ریاست یا حکومت یا ولایت ظاهری است.[3]

ارزیابی اشکال اول

در ارزیابی اشکال مرحوم حائری به دو نکته اشاره می‌کنیم.

1. ظهور صدر دعا در مقام اقامه نماز جمعه

اولاً در صدر این دعا، امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ مُبَارَكٌ مِّمُّونٌ، وَ الْمُسْلِمُونَ فِيهِ مُجْتَمِعُونَ فِي أَقْطَارِ أَرْضِكَ، يَشْهَدُ السَّائِلُ مِنْهُمْ وَ الطَّالِبُ وَ الرَّاعِبُ وَ الرَّاهِبُ، وَ أَنْتَ النَّاطِرُ فِي حَوَائِجِهِمْ». این فراز به‌روشنی ناظر به همان روز خاص است. پس از اتمام این بخش، امام علیه‌السلام در ادامه‌ی دعا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ»، که مقصود از آن، همین مقام اقامه‌ی نماز جمعه و نماز عید است. بنابراین، تعبیر «إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ» ظهور در مقام اقامه‌ی جمعه و عید دارد و دلالت می‌کند بر این‌که این مقام، شأن و حق خلفای الهی است.

2. وجود تکلف در استظهار مرحوم حائری

ثانیاً، در تفسیر عبارت دعا، ناگزیر نوعی تکلف در کلام مرحوم حائری به چشم می‌خورد؛ زیرا متن دعا چنین است: «إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لَخُلْفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعِ أُمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَزَوْهَا». ضمیر «ها» در «قَدْ ابْتَزَوْهَا» به‌روشنی به همان ضمیر «ها» در «بِهَا» بازمی‌گردد؛ یعنی به «الدرجة الرفیعة». تعبیر «اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا» ناظر به اختصاص دادن آن درجه‌ی رفیع به خلفا و اوصیای الهی است، نه به خود «مقام». و «قَدْ ابْتَزَوْهَا» نیز به‌معنای غصب همان درجه‌ی رفیع است.

از این‌رو، بازگرداندن ضمیر «ابتزوها» به «مقام» و تفسیر آن به غصب مقام، با ظهور لفظی عبارت سازگار نیست؛ بلکه ظهور روشن جمله آن است که غصب، متعلق به «درجه‌ی رفیع» است. این معنا چندان واضح است که اساساً نیازمند دقت‌های پیچیده و تحلیل‌های بعید نیست.[4]

بنابراین، خلاصه‌ی اشکال اول آن است که مرحوم آقای حائری تعبیر «هَذَا الْمَقَامَ» را به ریاست عامّه بازگردانده و «درجه‌ی رفیع» را ناظر به مقام معنوی عندالله دانسته‌اند؛ و بر این اساس، نتیجه گرفته‌اند که دعا اساساً ناظر به مسئله‌ی امامت جمعه نیست.

در پاسخ گفته شد که مقصود از «إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ» همان مقام اقامه‌ی نماز جمعه است و «درجه‌ی رفیع» نیز به ریاست عامّه‌ی ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام بر مسلمانان بازمی‌گردد.

اشکال دوم: ظهور دعا در اشکال امام (ع) در فرض نماز جمعه به عنوان امام و حاکم

حاصل اشکال دوم آن است که - حتی با پذیرش این‌که مقصود از «هَذَا الْمَقَامَ» مقام اقامه‌ی نماز جمعه یا عید باشد - مشارالیه

اسم اشاره، نفس نماز نیست، بلکه «الصلاة المأتمّ بها بعنوان الإمامة و الخلافة» است. به بیان مرحوم حائری، متوجه امام سجاد (علیه السلام) متوجه آن است که بنی امیه نماز جمعه را با عنوان امامت و خلافت اقامه می کردند، در حالی که این عنوان منحصر به امام حق است؛ زیرا اولویّت مسلم در نماز جمعه، بدون تردید به امام اختصاص دارد، و اقامه ی نماز با این عنوان از سوی امام جور، تعرّض به مقام امامت محسوب می شود.

بر این اساس، اگر شخصی نماز جمعه را اقامه کند، در حالی که نه امام معصوم است و نه منصوب از جانب او، و آن را نیز با عنوان امامت و خلافت اقامه نکند، اشکالی متوجه آن نخواهد بود. مرحوم حائری برای تقریب این معنا به مثال اخذ زکات تمسک می کند؛ اخذ زکات به عنوان وکالت از سوی صاحب حق، تصدّی مقام ولایت نیست، اما اخذ آن به عنوان ولایت، بدون استحقاق، تعرّض به مقام ولایت به شمار می آید. نتیجه آن که انکار امام سجاد (علیه السلام) ناظر به اقامه ی نماز با عنوان امامت و خلافت است، نه اصل اقامه ی نماز جمعه. [5]

ارزیابی اشکال دوم: ظهور مشار الیه هذا در منصب امام جمعه

پاسخ این اشکال روشن است؛ امام سجاد (علیه السلام) مقصودش نیت اقامه کنندگان نماز جمعه نیست، بلکه به خود «مقام» یعنی منصب امام جمعه، فارغ از نیت کسانی است که نماز را اقامه می کنند، نظر دارد.

اشکال مرحوم آقای حائری در صورتی وارد است که مراد از «هذا» همان نماز ظاهری باشد؛ نماز ظاهری ای که ممکن است به نیت های مختلف اقامه شود؛ مثلاً به نیت امامت یا صرفاً برای خواندن نماز جمعه. اما آنچه در این دعا مشار الیه است، مقام و منصب امام جمعه است، نه نماز ظاهری.

امام سجاد علیه السلام به نماز ظاهری کاری ندارد و می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ» یعنی این منصب و جایگاه، منصب ائمه معصومین علیهم السلام است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

[1] «أولاً: أنّه من المحتمل قوياً أن يكون المقصود من «المقام» في كلامه 7، هو الرئاسة العامة التي من مظاهرها إقامة صلاة الجمعة و العيد، كما يدلّ على ذلك أو يؤيّده قوله 7 بعد ذلك بأسطر: «حتى عاد صفوتك و خلفائك مغلوبين مقهورين مبتزين، يرون حكمك مبدلاً و كتابك منبوزاً و فرائضك محرّفة عن جهات إشراعتك و سنن نبيك متروكة». لوضوح أنّ ذلك كلّه ليس مترتباً على إقامة الجمعة و العيد، بل يكون مترتباً على غصب الرئاسة العامة الإلهية». (صلاة الجمعة (حائری)، ص 108).

[2] «إن قلت: الظاهر من قوله «إنّ هذا المقام» هو إقامة العيد و الجمعة لقوله «في الدرجة الرفيعة التي اختصصتهم بها». الظاهر في أنّ المقصود ب «الدرجة الرفيعة» هي الرئاسة العامة، و يكون مرجع ضمير «ابتزّوها» هو الدرجة الرفيعة، و يكون ما يذكره بعد ذلك مترتباً على غصب الخلافة، و لكن المقصود من «المقام» هو مقام إقامة العيد و الجمعة، الذي هو من شؤون الدرجة الرفيعة التي هي الرئاسة العامة». (همان).

[3] «قلت: إنّّه بعيد أن يكون المراد من الدرجة الرفيعة هو الرئاسة العامة، بل لعلّ الأقرب كون المقصود بذلك هو المقام المعنوي الإلهي غير القابل للاغتصاب، فيكون المقصود أنّ إعطائهم مقام الرئاسة إنّما حصل في ضمن إعطاء الدرجة الرفيعة العالية المعنوية التي هي الولاية الحقيقية و الخلافة الإلهية المشار إليها في الكتاب العزيز بقوله تعالى «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» و رجوع ضمير «ابتزّوها» إليه غير معلوم، بل لعلّ الأقرب أو المحتمل رجوعها إلى «المقام». و تأنيث الضمير، لعلّه من باب الإشارة إلى كون المراد من «المقام» هو الرئاسة أو الحكومة أو الولاية الظاهرية». (همان).

[4] استاد معظم: من این مطلب را مکرّر بیان کرده ام و شما نیز شنیده اید، یا خودتان ان شاء الله بدان واقف هستید، که امام خمینی رضوان الله عليه در مسئله ی غدير به نکته ای تصریح فرمودند که پیش از آن کمتر دیده می شد کسی بدان توجه کرده باشد.

ایشان در تحلیل واقعه‌ی غدیر فرمودند که مسئله‌ی غدیر، اعلان حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام بوده است. گاه این پرسش مطرح می‌شود که اگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله پیش از غدیر، به‌کرات تعبیری مانند «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى»، «أَنْتَ وَصِيِّي» و «أَنْتَ خَلِيفَتِي» را درباره‌ی امیرالمؤمنین علیه‌السلام بیان کرده بودند، چرا در ماجرای غدیر آن دغدغه و خوف وجود داشت؟ پیامبر اکرم آن تعبیر را چه زمانی فرمودند؟ این سخنان در یوم‌الدار و یوم‌الإنذار، یعنی در اوایل بعثت، بیان شد؛ آنجا که فرمودند هر کس دعوت مرا بپذیرد، جانشین من خواهد بود و امیرالمؤمنین علیه‌السلام همان‌جا این دعوت را پذیرفت. در آن مقطع، خوفی در کار نبود؛ اما در مسئله‌ی غدیر، پیامبر اکرم خوف داشت. علت این تفاوت آن است که غدیر، روز اعلان حکومت ظاهری بود. امام خمینی رحمه‌الله تصریح می‌کنند که ولایت معنوی حقیقی، جایگاه خود را دارد و محل نزاع در اینجا نیست؛ بلکه آنچه در غدیر به مردم اعلام شد، این بود که «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، یعنی هر کس ریاست و حاکمیت ظاهری و علی‌الاطلاق پیامبر را پذیرفته است، باید ریاست و حاکمیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را نیز بپذیرد.

[5] « و ثانياً: إنه على فرض كون المراد من «المقام» هو مقام إقامة الجمعة و صلاة العيدين، فلا ريب أن المشار إليه هو الصلاة المأتي بها بعنوان الإمامة و الخلافة، و من المعلوم أن ذلك منحصر بالإمام، فإن ما يتقوم به الأولوية المسلمة في الجمعة هو الإمام بلا إشكال، فإقامتها بعنوان أن إمام الجور مقوم للأولوية المذكورة، تعرض لمقام الإمام و هذا نظير أخذ الصدقات من باب الولاية، حيث إن أخذها بعنوان الوكالة عن أربابها ليس تصدياً لمقام الولاية، بخلاف أخذها من باب الولاية، فإن ذلك تصد لها من دون استحقاق، فيكون غير جائز، فلا يدل على الاشتراط و إن دل على الانحصار بالعنوان المذكور الظاهر أنه مورد للإشارة في كلامه. » (صلاة الجمعة (حائري)، 109).

منابع

حائری، مرتضی، صلاة الجمعة (حائری)، قم - ایران، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1418.